

فرزانه هردی از تبار اندیشمندان



زندگی شمعی ست که اگر داغ و اشک و آه در پی دارد، تلالو، تجلی و گسترش نور آن سود مند و اثر بخش است. هیچ کس را در پهنه دنیا مجال جاودانگی نیست، مگر اینکه این جاودانگی با خصلت نیک و سرشت بی آلایش و خرد و دانش همراه باشد. سخن از نبود و درگذشت فرزانه مرد نیک اندیش و نیک نام، دانشمند سترگ و آموزگار بی بدیل پروفیسور دوکتور سید الف شاه غضنفر در میان است.

در ماه دلو ۱۳۰۶ هجری خورشیدی در دهکده سیدهای کلنگار لوگر نوزادی پا به عرصه وجود گذاشت که نامش را الف شاه گذاشتند. او نامش را با الف آغزید و یادواره ها و یادگارهای افتخار آفرین را با (ی) پس از نبودش به ارمغان گذاشت.

به وطن برگشت و در سال ۱۳۴۱ هجری خورشیدی به صفت استاد در فاکولته طب دانشگاه کابل تقرر حاصل نمود. استاد غضنفر در یونیورسیتی هارورد به تحقیق روی پروژه (خواص کیمیاوی پروتین ها) پرداخت و فراورد چهار تحقیق علمی را در این زمینه در مجلات علمی

امریکا به نشر سپرد و مورد پاداش قرار گرفت.

روان شاد استاد غضنفر تا سال ۱۳۸۵ هجری

خورشیدی زیاده از ۲۵ اثر علمی نوشت و هزار

ها شاگرد را تربیت مسلکی نمود که برخی از

آنها به مدارج بزرگ علمی پروفیسوری و رتب

بزرگ دولتی تا سطح وزیر و فراتر نایل آمدند.

یک انسان خردمند از لحظه های گزران عمر که

آرام و بی صدا همچون قطرات باران به دریای

تاریک فنا و نابودی میریزند، حد اکثر استفاده

و بهره برداری را میکند و آن را رایگان از دست

نمیدهد و در نتیجه موقعیتش هر روز بهتر، افق

زندگیش روشن تر و روحش بزرگ تر میگردد.

استاد از عمر گرانبهایش ارزنده ترین بهره برداری را نصیب خود نمود

و موقعیت خود را به عنوان دانشمند خردگرا در مجموعه دانش طبابت

کشور برارنده ساخت. آنچه آدمی را به سوی مقام والای خودش

میکشاند و در نتیجه به رشد شخصیتش می انجامد، داشتن اهداف

ارزنده در زندگی اوست، هرچه هدف ها عالی تر باشد، شخصیت آدمی

رشد بیشتر مییابد. پروفیسور غضنفر در گزینش اهداف زندگی راهی

را برگزید که به همگان دشوار است به آن انتخاب دست یابند و خیلی

در عمق تاریکی های دوران زندگی بشر نوابغی درخشیده اند که نام شان در سر لوحه تاریخ و طومار افتخارات ثبت شده است و شمع وجود شان برای همیشه فروزان بوده و هرگز خاموش شدنی نیست، استاد غضنفر را میتوان در شمار این گونه از مردان تاریخ



کشور مان بر شمرد. در عالم وجود هر

چیزی بایست از خط نشو و نما ی خود

آغاز به سیر کند و راه کمال را پیش

گیرد تا به شامخ ترین مراتب استعداد

و قابلیت خود برسد، انسان نیز از

این قانونمندی استثنا ندارد. زنده یاد

دوکتور غضنفر در مسیر زندگیش از

این مراتب نشو و نما با استعداد فکری

اش پیروزمندانه به سوی مدارج عالی

پا گذاشت، از مدرسه تا دانشگاه و از

دانشگاه تا زمینه های پژوهشی و آ

موزگاری همه را با برازندگی و تلاش

پشت سر گذاشت. هیچ گاه متفکرین و دانشمندان جهان از طبقه

خاص بر نخاسته اند بلکه بیشتر شان از کانون سختی ها تجلی

کرده و از میان مشکلات درجات پیشرفت و تعالی را آغاز کرده

اند که استاد غضنفر نیز همین کوچه را عبور کرده است. استاد در

گزینۀ رشته های مسلکی، طبابت را که با ارزش ترین و انسانی

ترین پیشه در نوع خود است برگزید و پس از ختم آموزش و

پژوهشهای علمی و مسلکی از دانشگاه بیروت و دانشگاه هارورد

به ندرت میتوان اشخاصی را در یافت که از این مسیر گذشته باشند ، به گونه مثال ارزش ندادن به داشته های مادی ، بیهوده شمردن شکوه و جلال زندگی ، ترک مزیت های که با حرص و هوس آلوده باشد ، فرورفتن به اندیشه جمع آوری اندوخته های مادی و دیگر مواردی که شخصیت را بی مایه میسازد:

منعمان تا چند باید زر به زیر خاک برد

حیف همت ها که صرف همت قارون کند

استاد مشتاقانه وعاشقانه زیاده از سی سال را در تربیت وتدریس جوانان وطن در حوزه طبابت همت گماشت ودر کلاس های درس ولابراتوار های تحقیقی شیرین ترین لحظه های زندگی اش را به سر رساند . پروفیسو غضنفر از نظر سجایا وشخصیت پارسا مرد فرهیخته یی بود که با کمال خضوع و فروتنی آنچه را که در توان داشت در اعتلا

و پیشرفت کشورش دریغ نمیکرد ، در حوزه علوم کشور استاد شخصیت استثنایی بود که پژوهش ها وتحقیقات علمی او همواره مورد احترام و حرمت قرار داشت ، سالها در آ زمایشگاه کیمیا و بیوشمی عقب میکروسکوب به دنبال چیزی میگشت ودر انجام کار با اعصاب آرام وبکس چرمی بزرگش با قدم های پیاده به سوی منزلش بر میگشت .

استاد مبتکر نیرومند و خلاق بود که کار نامه هایش در بستر علوم طب ماندگار وابدی است :

تالیف وتحریر زیاده از ۲۵ اثر علمی ، طرح و ایجاد موآسسه واکسین سازی ، طرح

پروژه سیروم سازی در کشور ، ایجاد سیستم ادویه جنریک ، فعال ساختن لابراتوار های مرکزی وزارت صحت عامه به کمک سازمان صحتی جهان ، ایجاد لابراتوار مخصوص مرض ایدس وتحقیق روی این پروژه ، طرح لابراتوار توکسیکولوژی طب عدلی ، سازماندهی وتنظیم کتابخانه پوهنتون طبی ، طرح تأسیس انستیتوت علوم صحتی (نرسنگ و تکنالوژی طبی) که به نام پوهاند غضنفر مسمی است و سایر موارد دیگر . در رابطه به راه کار های این دانشمند بزرگ میتوان زیاد وزیاد نوشت ولی از حوصله این مقال به دور است .

من استاد را از نزدیک میشناختم از سالهای که افتخار شاگردی اورا

داشتم تا سال های دهه شصت که من هم به صفت استاد در انستیتوت طب کابل ایفای وظیفه مینمودم وسال های بعد که استاد مشاور سازمان صحتی جهان بود ومن هم استاد دانشکده طب بلخ وهمکار دفتر سازمان صحتی جهان بودم وپروفیسور غضنفر بر اساس حکم وظیفه گاه گاهی به منظور تطبیق پروژه های سازمان صحتی جهان به مزار شریف تشریف میآورد. روزی در فاکولته طب بلخ استاد از من خواست تا در پلان گزاری و تطبیق پروژه های صحتی آن سازمان در مزار شریف و صفحات شمال با آن سازمان همکاری داشته باشم که من با کمال خوشی پذیرفتم ، که بعد در پهلوی وظیفه استادی همکار سازمان صحتی جهان در شمال کشور و مشاور رسمی دفتر یونسف در مزار شریف بودم و تماس من با استاد غضنفر فزونی یافت . از استاد خاطره های شیرین خیلی زیادی دارم که به عنوان نمونه یکی دو

خاطره را در اینجا به یاد میآورم :

سال های دهه چهل استاد غضنفر در کلاس درس که من هم شامل آن کلاس بودم بر اساس موضوع فورمول باز کیمیای ویتامین ب ۱۲ را روی تخته سیاه رسم میکردند ، فورمول خیلی بزرگ و مشرح بود که حدود نیم ساعت رسم این فورمول همه تخته سیاه را در بر گرفت ، یکی از محصلین که همه ما مصروف ترسیم فورمول بودیم صدا بر آورد و گفت ، استاد این ویتامین با این کوچکی چطور میتواند این گونه فورمول بزرگ داشته باشد ، استاد در جوابش گفت به اشپای کوچک

نباید با چشم کوچک دید بلکه باید با دید

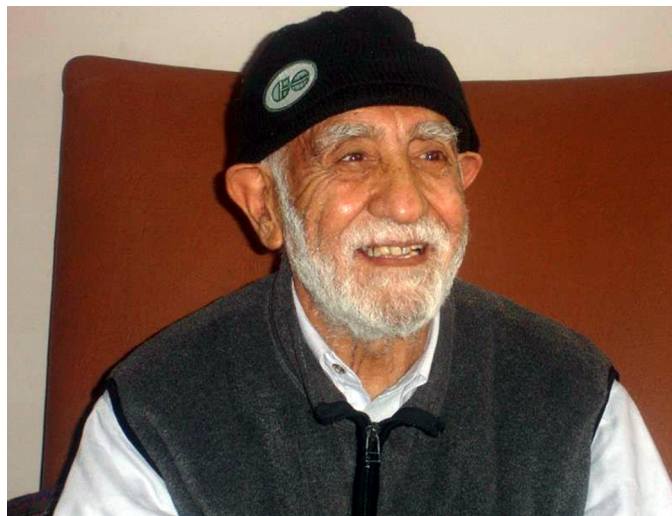
بزرگ به دنبال کوچکی ها رفت. خاطره دیگری از استاد به یاد میآورم فکر میکنم سال ۱۳۷۴ حجری خورشیدی بود که استاد فاکولته طب بلخ بودم و در یک سمپوزیم بین المللی که از جانب دفتر سازمان صحتی جهان در شهر جلال آباد به مدت سه روز برای دوکتوران طب افغانستان دایر گردیده بود اشتراک داشتم و کنفرانس در هتل اسپین غر ادامه داشت. در روز ختم کنفرانس رییس سازمان صحتی جهان در افغانستان دوکتور جبریل که لیبیایی بود دعوتی را در منزل خودش در شهر جلال آباد برای شاملین کنفرانس آماده نموده بود که دانشمندان و پروفیسوران خارجی و دوکتور فاطمی وزیر صحت اسبق



گوشه بی از خدمات ارزنده پروفیسور غضنفر بود که در راه خدمت به جوانان وطن که همین اکنون به حیث داکتر در شفاخانه ها و کلینیک های کشور وظیفه اجرا میدارند، میباشد و نه تحصیل این جوانان نا تمام باقی میماند .

پروفیسور غضنفر در فراگیری زبان های خارجی استعداد عجیب داشتند ، تسلط کامل به زبان انگلیسی ، و آشنایی خوب به زبان فرانسوی و روسی داشتند. در سالهای دهه شصت که کتابخانه انستیتوت طب پایه گزاری میشد و استاد غضنفر سازمان دهی این کار را به عهده داشتند بر اساس خواست ریاست انستیتوت چند

روزی من هم در تنظیم کتابخانه سهم گرفتم که چند هزار جلد کتاب باید در محلات مخصوص شان کتینگ میشد. استاد از من خواست تا کتب روسی را تنظیم نمایم. من هنگام تنظیم و جمع بندی کتب متوجه شدم که پروفیسور غضنفر میتواند به گونه خوب به زبان روسی حل مطلب کند و خودش شخصی زبان روسی و فرانسوی را آموخته بود.



استاد آنچه را که داشت خرد و دانش ، علم ، حلم ، رفتار و هنجار نیک و فروتنی بود ، و آنچه را که نداشت بزرگ منشی، زاندوزی و حسادت بود. استاد در سازمان صحتی جهان از احترام خاص برخوردار بود و پیشنهاد های او در مورد پروژه های افغانستان همواره پذیرفته میشد. من در یکی از تالیفاتم در کتاب (طب در گستره تاریخ) صفحه ای ۲۲۳ به گونه ای استثنایی و موجز از استاد یاد آوری نمودم. گر چه در کشور ما تا هنوز بزرگ داشت و تقدیر از دانشمندان به یک فرهنگ مبدل نگشته است ولی باز هم پروفیسور غضنفر چند باری از جانب مقامات بزرگ دولتی مورد تقدیر قرار گرفتند و امید وارم روزی به کمک اطبای کشور شاهد اساس گزاری بنیاد غضنفر باشیم.

مرگ در زهدان زیستن نطفه میگیرد و نیستی در ذهن هستی گام میگذارد ، مرگ محتومی است که از آن گریز نیست و جاودانگی زیوری است که هر کس را نصیب نیست . سر انجام پروفیسور استاد غضنفر بزرگ در اول حمل ۱۳۹۲ حبری خورشیدی به عمر ۸۶ سالگی به جاودانگان پیوست فردوس برین جایش باد.

نیز اشتراک داشتند. دوکتور جبریل در این دعوت چنین اظهار داشت :افغانستان خدمات پروفیسور غضنفر را در راه تامین صحت مردم نباید فراموش کند و وجود دوکتور غضنفر مایه افتخار برای کشور شما میباشد ، که من هم به نمایندگی از سازمان صحتی جهان از خدمات ارزنده شان اظهار امتنان مینمایم. در آزمون استاد غضنفر به حیث مشاور سازمان صحتی جهان در افغانستان ایفای وظیفه مینمودم. پس از ختم سه روزه کنفرانس قرار بر این شد تا از هر زون کشور یک نفر به نمایندگی از آن زون برای مدت یک ماه در فاکولته طب ننگرهار همراه با پروفیسوران یونورستی لیورپول انگلستان پروگرام کورس آ

موزشی سه ماهه برای دوکتوران طب افغانستان را آماده بسازند که مصارف مالی آنرا به حیث دونور یونورستی لیورپول عهده دار شده بود. من به نمایندگی از سمت شمال کشور انتخاب شده بودم و در هتل اسپین غر اقامت داشتم. روزی زنده یاد استاد غضنفر برایم گفت: داکتر ترابی هتل برایت خسته کن میباشد

بهتر است با من در مهمان خانه استادان انستیتوت طب کابل باشی تا روی کار های پروگرام کورس هم تبادل نظر داشته باشیم. من پذیرفتم. فردا استاد با موتر سازمان من را به مهمان خانه استادان انستیتوت طب کابل آوردند که تا ختم پروگرام یک ماهه شب را پس از ختم کار در کنار استاد با جمع استادان گذشتاندم که لحظه های نهایت شیرینی را از جناب شان به خاطر دارم. باید یاد آور شوم که پس از اینکه جنگ ها در سال ۱۳۷۱ در کابل شدت گرفت و پوهنتون کابل تعطیل شد ، بر اساس پیشنهاد پروفیسور غضنفر و تایید سازمان صحتی جهان استادان و محصلین انستیتوت طب کابل به شهر جلال آباد که نسبتاً امن بود انتقال یافتند و هزینه و مصارف لیلیه و بودباش استادان و محصلین را چند سال دفتر سازمان صحتی جهان میپرداخت. برخی از استادان در شهر پشاور زندگی داشتند که با ترانسپورت مخصوص از هزینه سازمان به جلال آباد میآمدند و سه روز پیهم درس میدادند و واپس به پشاور میرفتند. در آن وقت دوکتور احمد شاه جلال به حیث رییس انستیتوت طب کابل وظیفه داشتند که یاد شان گرامی باد ، تذکر این مطلب در این بحث صرف